

منابع قدرت نرم، سرمایه اجتماعی نظام جمهوری اسلامی ایران

دکتر منوچهر محمدی*

◆ چکیده

پیروزی ملت ایران در انقلاب تاریخ‌ساز خود بر اثر قیام توده‌های ملت، آن هم با دست خالی و غلبه بر نظام تا بن دندان مسلح سلطنتی که مورد حمایت همه قدرت‌های بزرگ جهانی بود، موجب ابطال بسیاری از نظریه‌ها در علوم سیاسی و روابط بین‌المللی به ویژه موضوع محوری قدرت گردید. اینکه علم سیاست به عنوان علم قدرت مطرح بود و قدرت در عناصر سخت‌افزاری آن به ویژه قدرت نظامی و اقتصادی تعریف می‌شد به ناگهان فرو ریخت و «شعار خون بر شمشیر پیروز است» در صحنه عمل عینیت یافت. تأسیس جمهوری اسلامی در ایران و توان شگفت‌انگیز این نظام نوپا در برخورد با چالش‌های عظیم ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی همچون کودتاهای گوناگون، شورش‌های محلی و منطقه‌ای،

* استاد روابط بین‌الملل دانشگاه تهران و معاون وزیر امور خارجه در آموزش و پژوهش.

تحریم‌های اقتصادی، تجاوزات نظامی (عملیات طبرس)، جنگ تحمیلی و... در طول سه دهه، به جای تضعیف این نظام نوپا، روز به روز بر ارتقای جایگاه جهانی آن افزوده و امروز علی‌رغم همه فشارها به عنوان قدرت برتر منطقه‌ای توسط دوست و دشمن شناسایی گردیده است. منابع قدرت نه در افزایش توانمندی‌های سخت‌افزاری^۱ بلکه در وجود قدرتی جدید تحت عنوان قدرت نرم^۲ که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی معنا و مفهوم جدیدی یافته و از نظر تأثیرگذاری جایگاه برتری نسبت به قدرت‌های سخت پیدا کرده است. امروزه از این قدرت تحت عنوان سرمایه اجتماعی در حوزه جامعه‌شناسی بحث می‌شود. اینک زمان آن فرا رسیده است که منابع آن شناسایی و تجزیه و تحلیل شود.

واژگان کلیدی: قدرت نرم، جمهوری اسلامی، ایران، انقلاب اسلامی، علوم سیاسی، سرمایه اجتماعی.



◆ تبیین مفاهیم

موضوع قدرت نرم موضوعی تازه در علم سیاست به ویژه در حوزه منازعات بشری نیست و از گذشته مطرح بوده است؛ به ویژه با ظهور اسلام و غلبه بر امپراطوری‌های ایران و روم و گسترش سریع آن، این موضوع اهمیت ویژه و سرنوشت‌سازی پیدا کرد ولی با سلطه افکار و اندیشه‌های مادی‌گرایانه از قرن پانزدهم به بعد به خصوص در اروپا، به تدریج قدرت نرم به فراموشی سپرده شد یا تحت‌الشعاع قدرت سخت قرار گرفت.

در تقسیم‌بندی‌های مختلف نیز از تقابل قدرت نرم و قدرت سخت، از آنها به عنوان قدرت روحی در مقابل قدرت جسمی یا قدرت معنوی در مقابل قدرت مادی نیز یاد می‌شود. ریشه و سرچشمه عمده قدرت‌های ناشی از قدرت نرم، از ایمان به جمهوری اسلامی، باور و ارزش‌های مسلط در جامعه نشئت می‌گیرد.

قدرت مفهومی است که در علوم طبیعی، کلامی، فلسفی و انسانی مورد توجه قرار گرفته

1 . Hard Power

2 . Soft Power

است، ولی در علوم اجتماعی و سیاسی طبعاً اهمیت ویژه و جایگاه محوری دارد. علما و اندیشمندان هر گروه از زاویه خاصی به توضیح مفهوم قدرت پرداخته‌اند. بعضی با دید طبقاتی به قدرت نگریسته‌اند و برخی دیگر با توجه به آثار قدرت آن را توضیح داده‌اند.

درباره قدرت سیاسی، بعضی از جامعه‌شناسان سیاسی به بیان حدود و قیود قدرت اهتمام ورزیده‌اند و تفاوت میان قدرت در جوامع ساده و پیچیده و قدرت در جوامع عام و خاص را بیان و به خصیصه نهادیافتگی قدرت اشاره کرده‌اند.

گسترده‌گی و پیچیدگی قدرت سبب شده است که هر کس از یک زاویه خاص یا با توجه به یک اثر خاص به آن بپردازد، یک نوع قدرت خاصی را مد نظر قرار دهد یا به تعریفی بسیار کلی و مبهم قناعت کند.

کارل مارکس قدرت را از دیدگاه طبقاتی چنین تعریف می‌کند: «اعمال قهر متشکل یک طبقه برای سرکوب طبقه دیگر». از نظر مارکس قدرت با سه ویژگی شناخته می‌شود:

نخست اینکه قدرت خصیصه طبقاتی دارد و پیوسته، در رابطه یک طبقه با طبقه دیگر تحقق‌پذیر خواهد بود. دوم اینکه قدرت هیچ‌گاه نمی‌تواند سالم و مشروع باشد، زیرا ظهور و تجلی قدرت در یک جامعه، از عوارض ناسالم بودن آن جامعه است و ریشه در طبقاتی بودن جامعه دارد. اگر جامعه سالم و بی‌طبقه باشد، پدیده‌ای به نام قدرت در آن ظاهر نمی‌شود. از دید او قدرت تنها منشأ ظلم و ستم و سرکوب طبقه دیگر است.

سوم اینکه قدرت بیانگر رابطه طبقه حاکم و محکوم است. هر چند بعضی از طرفداران مارکس قدرت اجتماعی را اعم و گسترده‌تر از قدرت طبقاتی می‌دانند، اما آنها نیز قدرت سیاسی را قدرت طبقاتی و تحمیل اراده یک طبقه بر طبقه دیگر معرفی می‌کنند.^۱

برتراند راسل می‌گوید: «قدرت را می‌توان به معنای پدید آورنده آثار مطلوب تعریف کرد.» وی از این تعریف نتیجه می‌گیرد که قدرت یک مفهوم کلی و قابل اندازه‌گیری است و می‌توان به آسانی در مورد اندازه قدرت افراد و مقایسه کمی آنها نظر داد، این در صورتی است که افراد

1. Marx, Capital, Vol2, Harmondsworth, Penguin, 1976.

به آثار مشترک و مطلوبی دست یابند که از جهت مقدار متفاوت باشد.^۱
 تارکوت پارسونز می‌گوید: «قدرت عبارت است از قابلیت تعمیم‌یافته برای تضمین اجرای تعهدات الزام‌آور واحدهایی در نظام سازمان جمعی»^۲ وی در توضیح به دو عامل مهم اشاره می‌کند:

نخست مشروعیت تعهدات مذکور است،
 از جهت تأثیر مثبتی که در تأمین اهداف
 اجتماعی هماهنگ با باورها و اعتقادات
 مردم دارد که این خود، تا حد وسیعی
 منشأ پذیرش آنها از سوی مردم خواهد
 بود و از این مصداق روشنی است برای
 «قابلیت اجرای تعهد» که در تعریف آمده
 است.

قدرت نرم، به آن دسته از قابلیت‌ها
 و توانایی‌هایی اطلاق می‌شود که با
 به کارگیری ابزاری چون فرهنگ،
 آرمان و یا ارزش‌های اخلاقی به
 صورت غیر مستقیم بر منافع یا
 رفتارهای دیگران اثر می‌گذارد.

دوم عامل وجود ضمانت اجرایی دولتی
 است که در قالب پاداش و کیفر و به طور کلی احکام جزایی و در موارد ترمد و عصیان تجلی
 پیدا می‌کند که عامل نخست به تنهایی تأثیری در اطاعت افراد ندارد. این عامل پشتوانه دیگری
 برای اجرای تعهدات و پذیرش قهری آن از سوی این قشر خواهد بود.^۳
 مک آیور، قدرت اجتماعی را قابلیت به اطاعت درآوردن دیگران در هر گونه رابطه اجتماعی
 می‌داند. او در ادامه تأکید می‌کند قدرت اجتماعی قابلیت نظارت بر رفتار دیگران است، خواه
 مستقیماً به صورت امر و خواه غیر مستقیم و از راه تمهید وسایل موجود.^۴

1. Russell, Power : **New social Analysis**, London, Allen and Unwin 1938
2. Parsons, **Sociological Theory and Modern society**, New York :Free Press, 1967
- 3 . Parsons, **The Social System**, New York: Free Press, 1951
- 4 . Wrong, Power : **Its Forms, Bases and uses**, Press Oxford : Blackwell 1979

ماکس وبر به جای واژه «قابلیت» از کلمه «فرصت» استفاده کرده است. به عقیده وی: قدرت عبارت است از فرصتی که در چهارچوب رابطه اجتماعی به وجود می‌آید و به فرد امکان می‌دهد تا - قطع نظر از مبنایی که فرصت مذکور بر آن استوار است - اراده‌اش را حتی به‌رغم مقاومت دیگران بر آنها تحمیل کند.

از دیدگاه وبر «قدرت، مجال یک فرد یا تعدادی از افراد است برای اعمال اراده خود حتی در برابر مقاومت عناصر دیگری که در صحنه عمل شرکت دارند»^۱

دو ورژن می‌گوید: «مفهوم قدرت بسیار وسیع و مبهم است. مثلاً رئیس دولت صرفاً فرمانروا و قدرتمند است، شهروند ساده، صرفاً فرمانبر و تحت قدرت است و بقیه افراد هم فرمانبر هستند و هم فرمانده».

بنابراین، قدرت از نظر او یک حقیقت نسبی است. وی سپس در ادامه می‌گوید:

«ما نمی‌توانیم قدرت را به معنای مطلق رابطه انسانی نابرابری بدانیم که بر اساس آن، یک فرد فرد دیگری را مجبور به اطاعت از خود کند، بلکه قدرت، یک رابطه ویژه و دارای قیود خاص است»^۲.

◆ تقسیم‌بندی قدرت

همان‌طور که قبلاً ذکر شد تعاریف متعددی از قدرت بر حسب دیدگاه‌ها وجود دارد. با وجود این تعاریف گوناگون، قدرت از نظر ساختاری به دو بخش قدرت سخت و نرم تقسیم می‌گردد. قدرت سخت، قدرت آشکار و ملموسی است مانند نیروی نظامی و اقتصاد که ممکن است موجب تغییر موقعیت افراد شود. قدرت سخت مبتنی بر مشوق (هویج) و تهدید (چماق) است اما موقعی پیش می‌آید که می‌توان بدون تهدید و یا هزینه محسوسی به نتیجه دلخواه دست پیدا

1. H. Weber, **Donimtion by Economic Power and Authority**, Press oxford : Blackwell 1986

2. Cox A, P, **Power in Capitalist Societies : Theory , Explanations**, Press Brighton: heatsheaf 1985.

کرد. روشی که غیر مستقیم و برای دستیابی به چیزی است که مد نظر است و گاهی اوقات «روی دیگر قدرت» نامیده می‌شود.

قدرت نرم عبارت است از توانایی شکل‌دهی به ترجیحات دیگران، به عبارت دیگر جنس قدرت نرم از نوع اقناع سخت از مقوله (وادار و اجبار) کردن می‌باشد.^۱

رهبری به صدور فرامین خلاصه نمی‌شود بلکه جذب دیگران را به انجام آنچه شما می‌خواهید شامل می‌شود که اگر بتوان دیگران را به آنچه می‌خواهید سوق داد دیگر نیازی به استفاده از هویج و چماق برای مجبور کردن نیست.

پروفسور مولانا برای اولین بار در غرب در کتاب «اطلاعات و ارتباطات جهانی: مرزهای نو در روابط بین‌الملل»^۲ در سال ۱۹۸۶ میلادی واژه قدرت نرم را تعریف و تبیین کرد. مولانا در تعریف قدرت نرم از واژه قدرت ناملموس استفاده می‌کند و منابع آن را دین، ارزش‌ها و باورها، ایدئولوژی و دانش معرفی می‌نماید. همچنین او معتقد است قدرت نرم زیربنای قدرت سخت است و ماهیت آن را مشخص می‌نماید.

«جوزف نای»^۳ درباره قدرت نرم می‌گوید:

قدرت نرم توجه ویژه به اشتغال ذهنی جوامع دیگر از طریق ایجاد جاذبه است و زمانی

۱. ۲۰۰۰ سال پیش، فیلسوف چینی کنفوسیوس، از بنیانگذار تائو، لائوتزه پرسید: «تائو چیست؟» لائوتزه دهانش را گشود ولی چیزی نگفت. کنفوسیون لبخند زد ولی شاکردانش گیج شدند. کنفوسیون توضیح داد: «لائوتزه در طریقت از ما پیشی گرفت. در دهان او، دندان وجود ندارد بلکه تنها یک زبان است! سخت‌ترینشان (دندان‌ها) نابود شدند ولی نرم‌ترینشان (زبان) زنده مانده است. قدرت نرمی بیشتر از قدرت سختی است. این است تائو» تائوایسم (تائو به معنای راه و فضیلت است) یا، فلسفه تائو (به انگلیسی: Taoism) روش فکری منسوب به tse - Iao فیلسوف چینی که مبتنی بر اراده مملکت بدون وجود دولت و بدون اعمال فرم‌ها و اشکال خاص حکومت. (جوجای و وینبرگ جای، تاریخ فلسفه چین باستان، ترجمه ع. پاشایی (تهران: گفتار، ۱۳۶۹).

2 . Mowlana. Hamid, **Global Information and World Communication: New Frontiers in International Relations**, London: Sage Publications, First Edition 1986

3 . Joseph Nye.

اهمیت و توانمندی قدرت نرم در جهانی که منشأ قدرت ریشه در اعتقادات و باورهای الهی و دینی دارد می‌تواند قدرت‌های سخت‌افزاری را تحت‌الشعاع قرار دهد و بر آنها چیره شود و این چیزی است که در پیروزی انقلاب اسلامی اتفاق افتاده است.

یک کشور یا یک جامعه به قدرت نرم دست می‌یابد که بتواند اطلاعات و دانایی را به منظور پایان بخشیدن به موضوعات مورد اختلاف به کار ببرد و از اختلافات به گونه‌ای بهره‌برداری نماید که حاصل آن گرفتن امتیاز باشد. یکی از نمونه‌های قدرت نرم می‌تواند کاربرد رسانه‌های جمعی در مناقشات باشد و می‌تواند جایگزین فشار نظامی گردد و ما دیگر شاهد اعمال زور و اجبار نیستیم بلکه

اقناع افکار عمومی از طریق جنگ رسانه‌ای صورت می‌گیرد.^۱

تأثیرگذاری قدرت نرم می‌تواند به صورت طولانی مدت و حتی ماندگار باشد. در قدرت نرم با ابزاری همچون رسانه‌ها می‌توان همان کاری را انجام داد که قبلاً به وسیله قدرت سخت انجام می‌گرفت، در عین حال که آثار منفی آن را ندارد و تأثیرگذاری به مراتب عمیق‌تری از قدرت به جا می‌گذارد.

«میشل فوکو» معتقد است در قدرت نرم نوعی اجبار (به طور غیر مستقیم) که از نوع سخت در درونش نهفته است پدیدار می‌شود و کارکردی را دارد که در بسیاری از موارد قدرت‌ها از نوع سختش، از انجامش عاجز می‌مانند.^۲

- قدرت نرم نه زور است و نه پول، در قدرت نرم به روی ذهنیت‌ها سرمایه‌گذاری می‌شود و

1. Nye, Jr., Joseph S. "Notes on a Soft Power Research Agenda" **Power in World Politics**. Ed. Felix Berenskoetter and M.J. Williams. Routledge, 2007
2. <http://www.soltanifar.com/fa/>

از جذابیت برای ایجاد اشتراک بین ارزش‌ها و از الزام و وظیفه همکاری برای رسیدن به همه خواست‌ها سود می‌جوید.

قدرت نرم، به آن دسته از قابلیت‌ها و توانایی‌هایی اطلاق می‌شود که با به کارگیری ابزارهای چون فرهنگ، آرمان و یا ارزش‌های اخلاقی به صورت غیر مستقیم بر منافع یا رفتارهای دیگران اثر می‌گذارد.

قدرت نرم، تبلیغات سیاسی نیست، بلکه مباحث عقلانی و ارزش‌های عموم را شامل می‌شود و هدف قدرت نرم تأثیرگذاری بر افکار عمومی خارج و داخل کشور می‌باشد.

◆ راهکارهای رسیدن و بهره‌گیری از قدرت نرم:

- به کارگیری کانال‌های چندگانه ارتباطی داخلی و خارجی.
- نزدیک کردن سنت‌ها و ایده‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بر نرم‌های جهانی.
- حرکتی آرام، پراکنده و مداوم در جهت تسخیر افکار عمومی از طریق رسانه‌های همراه و همگام با مردم.
- ایجاد گفتمان فرهنگی و عقلانی در سطح جهان.
- افزایش آگاهی‌ها و اعتماد به مردم.
- توجه به طراحی برنامه‌هایی که تفکر جهانی شدن را از محلی شدن منعکس کند (جهانی شدن برنامه‌ها).
- ابهام‌زدایی از صحنه سیاست خارجی و دیپلماسی.
- اعلام برنامه‌ها و اصول کلی اجرایی و تشریح دیدگاه‌ها در مورد مسائل حساس جهانی و منطقه‌ای و معرفی اصول و مبانی کلان سیاست خارجی.
- ایجاد تعاملات فرهنگی با استفاده از هر ابزار.^۱

اهمیت و توانمندی قدرت نرم بیشتر بستگی به منابع آن دارد که این منابع در دنیای مادی‌گرای غرب بسیار اندک و روبنایی می‌باشد. در عین حال در جهانی که منشأ قدرت عوامل غیر مادی و به طور عمده ریشه در اعتقادات و باورهای الهی و دینی دارد می‌تواند قدرت‌های سخت‌افزاری را تحت‌الشعاع قرار دهد و بر آنها چیره شود و این چیزی است که در پیروزی انقلاب اسلامی و اقتدار روزافزون نظام جمهوری اسلامی اتفاق افتاده است. البته این به معنای نادیده گرفتن قدرت‌های سخت‌افزاری به ویژه نظامی نیست که نقش بازدارندگی دارند. قدرتی که قرآن کریم مؤمنان را به داشتن آن توصیه نموده است.^۱

◆ منابع قدرت نرم در جمهوری اسلامی

۱. عنایات الهی

برای پیروان ادیان الهی به ویژه معتقدان به اسلام ناب محمدی(ص)، عظیم‌ترین منبع قدرت مؤمنان، تکیه بر عنایات الهی و این باور است که در مسیر مبارزه و حرکت علیه طاغوت و طاغوتیان، رهپویان راه خدا مورد حمایت خداوند و قدرت لایزال او قرار دارند، و در واقع همچون قطره‌ای به اقیانوس بیگران این قدرت ملحق می‌گردند. قطره جدای از اقیانوس هیچ است و خیلی زود محو می‌گردد ولی زمانی که به اقیانوس بیگران ملحق شود قدرتی فناناپذیر کسب می‌کند. بر اساس باورهای اسلامی و قرآنی عنایات الهی به عنوان یک منبع عظیم قدرت، پیروان و مجاهدین را در سه وجه مشمول حمایت بی‌دریغ خود قرار می‌دهد:

الف) به عنوان هادی و راهنمای مجاهدین

از آنجا که قرآن کلام الهی است و به باور همه معتقدان هیچ تخلفی در وعده‌های الهی نیست

۱. «واعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوكم»، «هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [دشمنان] آماده سازید، و [همچنین] اسب‌های ورزیده [برای میدان نبرد]، تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید!» (قرآن کریم، ۸، ۶۰)

و در قرآن به صراحت آمده است، ما کسانی را که در راه خدا جهاد می‌کنند در راه‌های خود هدایت می‌کنیم.^۱ در این آیه شریفه تنها شرط برخورداری از هدایت و راهنمایی الهی همانا حرکت در مسیر و راه خدا و رضای خدا می‌باشد.

در اینجا خداوند راه‌هایی را نشان می‌دهد که در نهایت به درگاه او منتهی می‌شود. زمانی که تلاش در راه خدا باشد، خداوند خود راهنما و هادی آن خواهد بود. پس دیگر نه تنها دغدغه خاطر و نگرانی برای رهروان وجود ندارد بلکه موجب اطمینان خاطر و قوت قلبی خواهد شد^۲ که در تقابل با دشمن با شهامت و شجاعت بیشتری مسیر مبارزه را طی خواهند کرد.^۳

(ب) امدادهای غیبی

برای مؤمنان مسلمان و مجاهدین در راه خدا، واقعیت امدادهای غیبی و حضور مستقیم سربازان الهی در کنار آنان و به موازات تلاش‌هایشان امری قطعی و مسلم است و این همان چیزی است که در هنگام تحقق به عنوان اموری خارق‌العاده یا معجزات الهی از آن یاد می‌شود. خداوند در قرآن مجید از واقعیت دخالت مستقیم خود در میدان مبارزه و جهاد یاد می‌کند. در سوره انفال و پس از جنگ بدر به تفصیل و با اشاره به پاره‌ای از وقایع که در جنگ رخ داده بود، بر مؤمنان منت می‌نهد و می‌فرماید: «که هرگز در برخورد با دشمن به سوی آنان پشت نکنید مگر برای حیل‌های جنگی و بدانید شما آنها را نکشتید بلکه خدا آنها را کشت

و تو ای پیامبر خاک بر روی آنها نپاشیدی بلکه خدا پاشید. یا تیر نینداختی، و به یاد آورید آن روزی را که شما کم بودید و دشمن ما را در روی زمین ضعیف

۱. «والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا وان الله لمع المحسنین»، «و آنها که در راه ما [با خلوص نیت] جهاد کنند، قطعاً به راه‌های خود، هدایتشان خواهیم کرد؛ و خداوند با نیکوکاران است.» (قرآن کریم، ۲۹، ۶۹).

۲. «وعد الله الذین آمنوا و عملوا الصالحات لهم مغفره و اجر عظیم»، «خداوند، به آنها که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند، وعده آمرزش و پاداش عظیمی داده است.» (قرآن کریم، ۵، ۹).

۳. چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان چه باک از موج بحر، آن را که باشد نوح کشتیبان

هیچ نظامی بدون حمایت مردمی نمی‌تواند در مقابل دشمن و یا دشمنان داخلی و خارجی خود پایدار بماند. فلذا اصلی‌ترین منبع قدرت جمهوری اسلامی بعد از عنایات الهی، حمایت مردمی است که خود قادر به تبدیل شدن به قدرت سخت می‌باشد.

قوای دشمنان قلیل و اندک باشند، با اضافه شدن خیل سربازان الهی قدرت می‌یابند و بر جبهه عظیم دشمن غلبه می‌کنند.

این چنین است که خداوند در مسیر مبارزات و مجاهدات مسلمانان راهنما، مددکار و همراه و پشتیبان ایشان است. در طول سال‌های پس از انقلاب و به ویژه در دوران هشت ساله جنگ تحمیلی و همچنین در جنگ ۳۳ روزه رژیم صهیونیستی علیه حزب‌الله لبنان، بارها و بارها شاهد امدادهای غیبی بودیم و در شرایطی که دشمن با عده فوق‌العاده زیاد به تقابل با

۱. «و من یولهم یومئذ دبره الا متحرفا لقتال او متحيزا الی فئه فقد باء بغضب من الله و مأواه جهنم و بس المصیر.»
«و هر کس در آن هنگام به آنها پشت کند - مگر آنکه هدفش کناره‌گیری از میدان برای حمله مجدد، و یا به قصد پیوستن به گروهی [از مجاهدان] بوده باشد - [چنین کسی] به غضب خدا گرفتار خواهد شد؛ و جایگاه او جهنم، و چه بد جایگاهی است!» (قرآن کریم، ۸، ۱۶). «فلم تقتلوهم و لکن الله قتلهم و ما رمیت از رمیت و لکن الله رمی و لیلی المؤمنین منه بلاء حسنا ان الله سمیع علیم.» «این شما نبودید که آنها را کشتید؛ بلکه خداوند آنها را کشت! و این تو نبود [ای پیامبر که خاک و سنگ به صورت آنها] انداختی؛ بلکه خدا انداخت! و خدا می‌خواست مؤمنان را به این وسیله امتحان خوبی کند؛ خداوند شنوا و داناست.» (قرآن کریم، ۸، ۱۷).

مجاهدین اندک می‌آمد نصرت الهی موجب غلبه مجاهدین بر دشمن می‌شد. در حادثه طیس و شکست مفتضحانه امریکا در عملیاتی که به منظور نجات گروگان‌ها انجام شد چیزی جز امدادهای غیبی نبود که امام راحل فرمود: شن‌ها و بادها مأمورین خدا در این عملیات بودند. (نزدیک به این مضامین)^۱

ج) تقویت روحی

مسلمین بر اساس این باور راه خدا را طی می‌کنند که خداوند یار و پشتیبان آنهاست، «ان الله مع المحسنین» و آن‌چنان قوت قلب می‌یابند که در مسیر مبارزه و حرکت هرگز ترس و واهمه به خود راه نمی‌دهند.

به این ترتیب ملاحظه می‌شود که مهم‌ترین منبع قدرت در جمهوری اسلامی همانا اعتقاد راسخ به عنایات الهی چه در هدایت و راهنمایی در مبارزه، چه در همراهی و مداخله مستقیم و چه در پشتیبانی و فراهم نمودن نصرت در پیروزی^۲ شامل حال ایشان است و وعده خدا حق است و تخلف‌ناپذیر.^۳

۲. تکیه بر حمایت و پشتیبانی توده‌های مردم

عموماً دولت‌هایی که پایگاه مردمی ندارند در مقابل قدرت و فشار دولت‌های سلطه‌گر به راحتی تسلیم می‌شوند و به زانو در می‌آیند. در حالی که دولت‌های مردمی که دارای پایگاه قوی در بین آحاد جامعه هستند در مقابل هر نوع توطئه اعم از کودتاها، جنگ‌ها، شورش‌های با محرک خارجی و ترورها از نوعی مصونیت برخوردارند. حوادث و وقایع بعد از انقلاب

۱. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۳۸۰.

۲. «و ما جعله الله الا بشری لکم و لتطمئن قلوبکم به و ما النصر الا من عند الله العزیز الحکیم.»؛ «ولی اینها را خداوند فقط بشارت، و برای اطمینان خاطر شما قرار داده؛ و گرنه، پیروزی تنها از جانب خداوند توانای حکیم است!» (قرآن کریم، ۳، ۱۲۶).

۳. «ان الله لا یخلف المیعاد.»؛ «به یقین خداوند در وعده خود تخلف نمی‌کند.» (قرآن کریم، ۱۲، ۳۱).

اسلامی که سرشار از این قبیل توطئه‌های گوناگون می‌باشد که در رأس آنها جنگ تحمیلی هشت ساله بود تنها و تنها عامل خنثی‌سازی همه این توطئه‌ها حمایت بی‌دریغ توده‌های ملت حاضر در صحنه - به ویژه طبقات محروم و پا برهنه - از انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی است.^۱

مردم هر زمان که احساس می‌کردند نظام در خطر است و مورد تهدید قرار گرفته است گروه گروه وارد صحنه می‌شدند و با حضور و ایثار جان و مال خود خطر را دفع می‌کردند بدون هیچ چشم‌داشتی و تنها از آن جهت که انقلاب و نظام را از آن خود می‌دانستند و می‌دانند حامی و یار و یاور دولتمردان بودند و به آنها در برخورد با دشمنان گوناگون قدرت مضاعف می‌دادند. هیچ نظامی بدون حمایت مردمی نمی‌تواند در مقابل دشمن و یا دشمنان داخلی و خارجی خود پایدار بماند. فلذا اصلی‌ترین منبع قدرت جمهوری اسلامی بعد از عنایات الهی، حمایت مردمی است که خود قادر به تبدیل شدن به قدرت سخت می‌باشد.

توده‌های مردم به طرق مختلف قدرت خود را در صحنه مبارزه با دشمن متجلی ساخته‌اند. حضور در تظاهرات و راهپیمایی‌ها، مشارکت در عرصه انتخابات، حضور داوطلبانه و سیل‌آسا در صحنه‌های نبرد حق علیه باطل، بسیج نیروهای عظیم مردمی در حوادث و اتفاقات و سوانح طبیعی و مراقبت از توطئه‌های دشمن در ایجاد تفرقه و نفوذ در بدنه اجتماع برای ضربه زدن به نظام حاکم، از جمله مواردی است که ملت با حضور به موقع در صحنه قدرت به منصفه ظهور رسانیده است.^۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. «یا ایها النبی حسبک الله و من اتبعک من المؤمنین.»؛ «ای پیامبر! خداوند و مؤمنانی که از تو پیروی می‌کنند، برای حمایت تو کافی است؛ فقط بر آنها تکیه کن.» (قرآن کریم، ۸، ۶۴).

۲. حضرت امام (ره) در خصوص اهمیت پشتیبانی و حمایت مردم می‌فرماید: «مردم همه می‌دانید و باید بدانیم مادامی که ملت پشتیبان مجلس و دولت و قوای مسلح هستند و دولت و مجلس و قوای مسلح در خدمت ملت به ویژه قشرهای محروم می‌باشند، و جلب رضای خداوند را در این خدمت متقابل می‌نمایند، هیچ قدرتی توانایی آسیب رساندن به این نظام مقدس را ندارد و اگر خدای نخواستہ یکی از این دو یا هر دو از خدمت متقابل دست

از آنجا که نظام جمهوری اسلامی نه بر پایه دیدگاه‌های ملی‌گرایانه و ناسیونالیستی بلکه بر پایه ارزش‌های ایدئولوژیک جهانشمول و بشردوستانه قرار دارد و سعادت همه ابنای بشر را می‌طلبد و فطرت انسان‌ها را پاک می‌داند این حمایت و پشتیبانی به ورای مرزهای کشور هم رفته و در قلب ملت‌های مسلمان و مستضعف جهان قرار گرفته است.

۳. ولایت و امامت

در هر نوع منازعه‌ای، اعم از نظامی، سیاسی و فرهنگی نقش رهبری و فرماندهی فوق‌العاده مهم و کلیدی است. رهبری است که هدایت حرکت و جنبش را بر عهده دارد، استراتژی و راهبرد تعیین می‌کند و شیوه برخورد با دشمن را تنظیم و برنامه‌ریزی می‌کند. رابطه میان رهبری و توده‌های مردم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و هر چه جایگاه رهبری در میان مردم مستحکم‌تر باشد و مشروعیت و محبوبیت بیشتری داشته باشد به عنوان یک منبع مهم قدرت تلقی می‌گردد.

رهبران کاریزما به علت جاذبه‌های شخصی توانسته‌اند توده‌ها را مدت زمانی به دنبال خود حرکت دهند و به محض خروج از صحنه جنبش با خلأ رهبری مواجه شده و به نوعی توقف و رکود رسیده است. در جمهوری اسلامی رهبری تحت عنوان ولایت فقیه و امامت به عنوان یک نهاد مذهبی - سیاسی از تمام عناصر لازم برای ارائه یک رهبری قدرتمند و کارآمد و با استمرار برخوردار می‌باشد. زیرا که شیوه انتخاب رهبر چه از سوی خیرگان و چه از سوی مردم موجب مقبولیت، مشروعیت و هم برخوردار از مدیریت و مدیریت قدرتمند می‌گردد. رهبر

بردارند شکست جمهوری اسلامی و اسلام بزرگ، اگر چه در درازمدت، حتمی است. بنابراین ترک این خدمت متقابل که به شکست اسلام و جمهوری اسلامی منتهی می‌شود. از بزرگ‌ترین گناهان کبیره است که باید از آن اجتناب شود، چنانچه این خدمت از واجبات بزرگ است که باید به آن قیام نمایند ... و بالاخره ما مردم را لازم داریم، یعنی این مردم‌اند که این جمهوری را به اینجا رسانند و این مردم‌اند که باید جمهوری را راه ببرند تا آخر» (صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۳۹۱).

آگاه به اوضاع و احوال سیاسی، اجتماعی زمان خود، در عین حال عادل و دور از هوای نفس موجب بروز و ظهور قدرتی می‌گردد که به دوستان آرامش و اطمینان خاطر داده و دشمنان را نگران و مرعوب می‌نماید. چرا که امت رهرو، اطاعت از او را همچون اطاعت از خدا و رسول خدا می‌دانند و بی‌چون و چرا تبعیت از او را وظیفه شرعی و دینی خود فرض می‌دارند.^۱

۴. شهامت و شجاعت

از عوامل مهم شکست یک جبهه و جماعت، غلبه ترس از دشمنان، ترس از دست دادن اموال و دارایی‌ها و خانواده و مهم‌تر از همه ترس از مرگ است. جوامعی که مادی فکر می‌کنند، جوامعی که زندگی و سعادت را در رفاه مادی دنیا می‌بینند قهرا با معضل و مسئله ترس دست به گریبان هستند.^۲

برعکس، جوامع موحد و خداجو که نه زندگی را محدود در این چند صباح زندگی این دنیا می‌دانند و نه مرگ را پایان زندگی بلکه آغازی بر زندگی جاودان، ترس را جز از خشیت الهی در خود نابود می‌کنند و با جرئت و شهامت به مصاف دشمن می‌روند و برای آنها چه بکشند و چه کشته شوند هر دو را برای خود عین پیروزی و سعادت می‌دانند و این خود موجب قدرتی می‌گردد که با هیچ ابزار مادی نمی‌توان با آن مقابله کرد.^۳

رژیم صهیونیستی بر پایه ایجاد ترس و دلهره در دشمنان بنا گذارده شده بود و بر همین

۱. «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم»، «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا را! و اطاعت کنید اولو الامر [= اوصیای پیامبر] را.» (قرآن کریم، ۴، ۵۹).

۲. «الذین ینفقون اموالهم باللیل و النهار سرا و علانیه فلهم اجرهم عند ربهم ولا خوف علیهم ولا هم یحزنون»، «آنها که اموال خود را، شب و روز، پنهان و آشکار، انفاق می‌کنند، مزدشان نزد پروردگارشان است؛ نه ترسی بر آنهاست، و نه غمگین می‌شوند.» (قرآن کریم، ۲، ۲۷۴).

۳. «فمن یؤمن بربه فلا یخاف بخسا ولا رهقا»، «و هر کس به پروردگارش ایمان بیاورد، نه از نقصان می‌ترسد و نه از ظلم.» (قرآن کریم، ۷۲، ۱۳).

اساس در جنگ‌های ۱۹۴۹، ۱۹۵۶، ۱۹۶۷، ۱۹۷۳ با ایجاد رعب و وحشت بر اعراب غلبه کرد. ولی هنگامی که جوانان فداکار و با ایمان و شهادت‌طلب حزب‌الله با غلبه بر ترس به مقابله با صهیونیست‌ها شتافتند، توانستند علی‌رغم کمی نفرات و ساز و برگ جنگی آنها را شکست دهند و به هزیمت و عقب‌نشینی وادار کنند. مناخیم بگین، نخست‌وزیر اسبق رژیم صهیونیستی، خود با اعتراف به این منبع قدرت در حزب‌الله می‌گوید: «هنگامی که آنها (جوانان حزب‌الله) از مرگ نمی‌ترسند، آنها را از چه بترسانیم!!»^۱

جوانان فلسطینی با تکیه بر آموزه‌های اسلامی و انجام عملیات شهادت‌طلبانه، خواب را از چشمان صهیونیست‌ها بردند و توانستند در قدم اول بدون دادن هیچ گونه امتیازی نوار غزه را از لوٹ وجود آنها پاک و آزاد نمایند.

ملت ایران هم در این مسیر با قیام و ایستادگی و نابود کردن ترس در وجود خود توانست بر دشمنان داخلی و خارجی غلبه کند و قدرت عظیمی را ایجاد نماید و خود موجب بروز رعب و وحشت بر دل دشمنان گردد.

۵. صبر و استقامت و پایداری

طبیعت و مبارزه و برخورد میان انسان‌ها و یا جوامع انسانی به شکلی است و در تجربه به اثبات رسیده است که هر گروه و دسته‌ای که بیشتر در مسیر مبارزه، پایداری و استقامت به خرج دهد و از فشارها و هیاهوهای تبلیغاتی و جنگ روانی نهراسد و رنج و سختی‌های مبارزه را تحمل کند و مأیوس نشود و تن به عقب‌نشینی ندهد، پیروزی نهایی را در آغوش خواهد گرفت و بر همین اساس خداوند به مؤمنان امر به استقامت می‌کند. از آنجایی که نظام جمهوری اسلامی خود را پیشگام و پیشقراول جبهه حق علیه باطل و اسلام در مقابل کفر می‌داند هر نوع

۱. مرگ اگر مرد است گو نزد من آی، تا در آغوشش بگیرم تنگ تنگ

من از او عمری ستانم جاودان، او زمن دلقی ستاند رنگ رنگ

عقب‌نشینی، سازش و تسلیم در مقابل دشمن را نه جایز می‌شمارد و نه مطابق اوامر و قوانین الهی می‌داند زیرا خداوند صراحتاً به مؤمنان امر به مقاومت و پایداری داده است.^۱ بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و با درس گرفتن از این انقلاب، نهضت‌های اسلامی اساس مبارزه خود را بر پایداری قرار داده‌اند به طوری که امروزه مقاومت به صورت یک فرهنگ درآمده است.



زمانی که نظام جمهوری اسلامی تصمیم گرفت سیاست خود را در زمینه انرژی هسته‌ای تغییر دهد و مقاومت و ایستادگی را پیشه کند، جبهه مقابل بعد از یک دوره فشار و جنگ روانی بی‌نتیجه، قدم به قدم از مواضع خود عقب‌نشینی کرد و راهی جز تسلیم در مقابل خواست مردم در برخورداری از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای نیافت.



یک مقایسه اجمالی میان دو جبهه جنگ یکی جنگ شش روزه در سال ۱۹۶۷ میلادی میان اعراب و رژیم صهیونیستی و دیگری جبهه جنگ رژیم صدام حسین علیه جمهوری اسلامی، نشان داد که تنها استقامت و پایداری می‌تواند موجب غلبه بر دشمن گردد.

تجاوز همه‌جانبه رژیم صهیونیستی علیه عموم کشورهای عربی به شکست اعراب و از دست دادن بخش عظیمی از سرزمین‌های خود در اثر عقب‌نشینی سریع سربازان عرب ظرف چند روز و به تصرف درآمدن و به پذیرش آتش‌بس

منجر گردید که آثار این شکست همچنان بر جهان عرب سنگینی می‌کند.

در حالی که استقامت ملت ایران در مقابل تجاوز همه‌جانبه رژیم صدام که با حمایت همه

۱. «فاستقم كما امرت و من تاب معك ولا تطغوا انه بما تعملون بصیر»، «پس همان گونه که فرمان یافته‌ای، استقامت کن؛ و همچنین کسانی که با تو به سوی خدا آمده‌اند [باید استقامت کنند]! و طغیان نکنید، که خداوند آنچه را انجام می‌دهید می‌بیند» (قرآن کریم، ۱۱، ۱۲).

قدرت‌های بزرگ جهانی برای مدت هشت سال صورت گرفت، موجب گردید که این ملت برای اولین بار بتواند نه تنها همه سرزمین‌های اشغالی را از چنگ دشمن متجاوز خارج کند بلکه شورای امنیت را مجبور کرد از قطعنامه‌های ظالمانه صادر شده قبلی خود عدول کند و با تصویب قطعنامه ۵۹۸ شرایط را به نفع جبهه حق تغییر دهد و متجاوز را نیز معرفی نماید. این به دست نیامد مگر بر اثر ایستادگی، صبر و مقاومت هشت ساله و الزام دشمن به تسلیم و پذیرش شکست در مقابل جبهه حق.^۱

همین تجربه نیز در جریان اتخاذ دو سیاست متفاوت در زمینه انرژی هسته‌ای نیز مشاهده می‌گردد. در این واقعه نیز ابتدا در قبال تهاجم همه‌جانبه دشمنان به نوعی سیاست عقب‌نشینی و در واقع عدم مقاومت در مقابل فشارهای غرب اتخاذ گردید و در نتیجه زیاده‌خواهی غرب و درخواست تسلیم را شاهد بودیم. ولی زمانی که نظام جمهوری اسلامی تصمیم گرفت سیاست خود را تغییر دهد و مقاومت و ایستادگی را پیشه کند، جبهه مقابل بعد از یک دوره فشار و جنگ روانی بی‌نتیجه، قدم به قدم از مواضع خود عقب‌نشینی کرد و راهی جز تسلیم در مقابل خواست مردم در برخورداری از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای نیافت. این به دست نیامد مگر در اثر ثبات قدم، پایداری، صبر و تحمل در مقابل همه فشارهای وارده.^۲

۵. سازش‌ناپذیری و تحمیل اراده بر دشمن

در کنار هر نوع منازعه اعم از نظامی و سیاسی، شکل دیگر منازعه بروز و ظهور یک جنگ

۱. رهبر فقید انقلاب اسلامی در صفحه ۲۶۲ از کتاب «چهل حدیث» از صبر و پایداری به عنوان کلید درهای سعادت نام می‌برد و می‌فرماید: «صبر کلید ابواب سعادت و منشأ نجات از مهالک است. بلکه صبر، بلیات را بر انسان آسان و مشکلات را سهل می‌نماید و عزم و اراده را قوت می‌دهد و مملکت روح را مستقل می‌نماید.»
۲. در جهان کنونی که «قدرت»، تنها منطق حاکم بر روابط بین‌المللی است هر گونه وادادگی باعث خسارت و ضرر خواهد شد و دولت [دولت نهم] با درک همین واقعیت در مقابل زیاده‌خواهان ایستاده و باعث عزت ملی شده است، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با رئیس‌جمهور و هیئت وزیران، یکشنبه ۱۳۸۶/۶/۴.

روانی است که هر یک از طرفین سعی می‌کنند بر روح و روان جبهه مقابل چیره شوند و با تضعیف روحیه زمینه را برای پذیرش خواسته‌های خود فراهم نمایند. در واقع اراده خود را بر طرف مقابل تحمیل و او را وادار به سازش کنند به عبارت دیگر هر یک از طرفین منازعه که موفق شود اراده خود را بر طرف دیگر تحمیل کند، در واقع در جنگ سیاسی و نظامی پیروز شده است. قدرت‌های سلطه‌گر بیشتر از هر چیز موفقیت خود را در تحقق سلطه روانی بر سایر کشورها و جوامع می‌دانند. آنها این موفقیت را مدیون این باور در مدیران و دولتمردان این کشور می‌پندارند که چاره‌ای جز سازش و پذیرش سلطه نمی‌بینند. زمانی که این رهبران توانسته‌اند خود را از قید این باور رها سازند موفق شده‌اند خود را از سلطه سلطه‌گران خلاص کنند و حتی خواسته‌های خود را بر سلطه‌گران تحمیل نمایند.

در عالم مادیات امتیاز دادن و امتیاز گرفتن و به اصطلاح معامله کردن، امری طبیعی و پذیرفتنی است، در عین حال در منازعه و برخورد ایدئولوژیک به ویژه آنجایی که یک طرف منازعه خود را حق مسلم می‌داند و طرف دیگر را باطل، جایی برای امتیاز گرفتن و امتیاز دادن و به عبارت دیگر معامله کردن وجود ندارد. این نوع منازعات را بازی با حاصل جمع صفر (همه یا هیچ) می‌دانند.

آنجا که معامله از نوع مادی نیست بلکه با ارزش‌ها و معتقدات و باورهای یک جامعه سر و کار دارد این نوع از معاملات امکان تحقق خود را از دست می‌دهند. در این صورت باورمندان و مؤمنان با ایستادگی و مقاومت و سازش‌ناپذیری اراده خود را بر دشمن تحمیل می‌کنند و او را به عقب‌نشینی از مواضع خود وا می‌دارند و در واقع در جنگ روانی پیروز می‌گردند و موجب می‌شوند دشمن از خواسته‌ها و توقعات خود عدول نماید.

۶. وظیفه ادای تکلیف

جامعه اسلامی در مبارزه خود علیه دنیای کفر، بیش از آنچه به پیروزی‌های ملموس و

ظاهری بیندیشد به ادای تکلیف و وظیفه الهی و دینی خود فکر می‌کند. او در صحنه مبارزه همان قدر که خود را در جبهه حق می‌بیند خود را پیروز میدان می‌داند. او چه بکشد و چه کشته شود، چه غلبه کند و چه مغلوب باشد در هر حال چون در ادای تکلیف و وظیفه الهی خود موفق بوده است پیروز است و اصولاً پیروزی را نه در چند صباح عمر خود بلکه در پهنه تاریخ و غلبه نهایی حق علیه باطل می‌بیند. او نه از جمعیت عظیم دشمن واهمه دارد و نه از کمی ساز و برگ خود در این کارزار و بر این باور است که برای پیروزی نهایی به اندازه همه تاریخ بشریت فرصت دارد و به مصداق:

از کران تا به کران لشکر ظلم است ولی از ازل تا به ابد فرصت درویشان است

کسانی که تنها به ادای وظیفه و تنها خشنودی و رضای خدای متعال می‌اندیشند، با ایمان راسخ و با صلابت و قدرت در مقابل همه سختی‌ها و نامالایمات ایستادگی می‌نمایند و نه از شکست‌های مقطعی مأیوس و ناامید می‌شوند و نه از پیروزی‌های مقطعی به دست آمده مغرور می‌گردند،^۱ و فقط به ادای تکلیف فکر می‌کنند و لاغیر، به فرموده امام خمینی (ره) ما مأمور به ادای تکلیف هستیم نه به نتیجه.^۲

از طرف دیگر پیروزی در مکتب اسلام با پیروزی در مکتب‌های مادی‌گرا متفاوت است، زیرا غلبه و قهر در مکتب‌های مادی به این است که غالب بر مغلوب تسلط یابد و او را مطیع و منقاد

۱. من امیدوار هستم که خداوند تأیید کند ما را در این مقصدی که داریم، لکن مهم این است که ما تکلیفی ادا می‌کنیم، تکلیف ما این است که در مقابل ظلم‌ها بایستیم، تکلیف ما این است که با ظلم‌ها مبارزه می‌کنیم، معارضه کنیم، اگر توانستیم آنها را به عقب برانیم که بهتر و اگر نتوانستیم، به تکلیف خودمان عمل کردیم. این طور نیست که ما خوف این را داشته باشیم که شکست بخوریم. اولاً که شکست نمی‌خوریم، خدا با ما است و ثانیاً بر فرض اینکه شکست صوری بخوریم شکست معنوی نمی‌خوریم و پیروزی معنوی با اسلام است، با مسلمین است، با ماست. شما قدرتمند باشید و در مقابل همه مشکلات قیام کنید و وحدت خودتان را حفظ کنید. توجه به خدا را حفظ کنید. (صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۳۰۶).

۲. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۴.

خود سازد و آزادی و اختیار در کار را از او سلب کند و با اجبار و اکراه، افعال او را تابع اراده خود نماید، چنان‌که دیکتاتورها و قدرت‌ها مستکبر این چنین می‌کنند، هر زوری را به کار می‌برند و هر عمل ناروایی را در راه رسیدن به مقاصد شوم و پلید خود روا می‌دارند. در حالی که به حکم منطق و تجربه تاریخ این نوع از سلطه با جبر و اکراه قابل دوام نیست و تسلط بیگانگان بر ملل زنده جهان برای همیشه باقی نمی‌ماند و چند روزی بیشتر نیست.

در حالی که مکتب‌های الهی، غلبه نرم‌افزارانه به جبر و قهر و تسلط نیست، بلکه به نفوذ در قلوب و حکومت بر دل‌ها است. اگر ایمان و اعتقاد به چیزی در دل جایگزین شود گرچه چند روزی پنهان بماند بالاخره آشکار می‌شود و روزگاری دراز آثارش باقی خواهد ماند و به همین دلیل قدرت‌های استکباری می‌کوشند تا با تبلیغ و کار روانی سلطه خود را رنگ و جلای انسانی و معنوی بدهند که در این دوران با توجه به افزایش روزافزون آگاهی‌های مردم، این ترفند کارایی خود را از دست داده است و عموماً از حد خیال و توهم تجاوز نمی‌کند.

اما امر معنویات حقیقی که خداوند انسان‌ها را به آنها دعوت می‌کند بسی واضح‌تر است، زیرا حق در مقابل باطل و ضلال است و باطل در مقابل حق تاب مقاومت نمی‌آورد و در برابر حجت حق شکست می‌خورد و به همین دلیل است که حق از لحاظ تأثیر و رسیدن به نتیجه، اختلاف و تخلف نمی‌پذیرد و مؤمن چه بر حسب ظاهر بر دشمن پیروز شود و چه شکست بخورد کامیاب است، زیرا به

جمهوری اسلامی در عین مقاومت و تحمل همه فشارها و تهدیدات آنها را به فرصت تبدیل کرده و موجبات قطع وابستگی و شکوفایی علمی، استقلال و خودکفایی و رهایی از همه قید و بندهای دنیای استکبار را فراهم کرده است.

تکلیف عمل کرده است و رضای حق تعالی را به همراه خواهد داشت.

۷. تبدیل تهدیدات به فرصت‌ها

در یک جدال بی‌امان هر یک از طرفین جدال سعی می‌کنند با ایجاد تضییقات و اعمال فشار و تهدیدات، گروه مقابل را در تنگنا قرار دهد و آنها را به تسلیم وادار نماید. تجربه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مملو از این نوع فشارها و تهدیدات از طرف دشمنان انقلاب است. تحریم‌ها، قطع رابطه، بایکوت، محاصره نظامی، تهدید به حمله نظامی، صدور قطعنامه‌های پی در پی جهت وارد آمدن فشار به جمهوری اسلامی به تسلیم و عدول از مواضع ارزشی و مستقل خود به کار برده‌اند.

جمهوری اسلامی در عین مقاومت و تحمل همه فشارها و تهدیدات آنها را به فرصت تبدیل کرده و موجبات قطع وابستگی و شکوفایی علمی، استقلال و خودکفایی و رهایی از همه قید و بندهای دنیای استکبار را فراهم کرده است.^۱

به جرئت می‌توان گفت که اگر دشمن به این شیوه تهدیدآمیز خود دست نزده بود یقیناً رشد و پیشرفت جمهوری اسلامی در این حد امکان نداشت زیرا این نیازهاست که جامعه را به تحرک، پویا و به کار انداختن استعدادها، ابتکارات و خلاقیت‌ها وادار می‌نماید. جنگ تحمیلی هشت ساله به همراه تحریم‌های همه‌جانبه در مقابل تجهیز رژیم صدام به همه امکانات، مجالی ارزشمند برای شکوفایی استعدادهای ملت و خلق ابتکارات و ابداعاتی بود که آثار آن را در همه زمینه‌ها شاهد هستیم.

امروز پس از فرو نشستن همه گرد و غبارها، از ارتش تا بن دندان مسلح صدام چیزی باقی نمانده است، در حالی که جمهوری اسلامی با یک قدرت نظامی مجرب، خودکفا موجب دلهره

۱. «رابطه بین یک ملت به‌پاخواسته برای رهایی از چنگال چپاولگران بین‌المللی با یک چپاولگر عالمخوار، همیشه به ضرر ملت مظلوم و به نفع چپاولگر است. ما این قطع رابطه را به فال نیک می‌گیریم.» (صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۲۳۳).

همه دشمنان گردیده است و خود به نوعی نقش بازدارندگی را ایفا می‌کند.^۱

۸. برخورد هوشمندانه و مدیرانه

در دنیای مادی‌گرایانه غرب، اعم از دنیای سرمایه‌داری و یا سوسیالیستی، این اعتقاد وجود دارد که هدف وسیله را توجیه می‌کند و با هر وسیله غیر انسانی و غیر شرافتمندانه می‌توان برای رسیدن به اهداف خود استفاده نمود، در حالی که در مکتب اسلام وسیله از هدف جدا نیست و روش‌های دغلكارانه و غیر شرافتمندانه را نمی‌توان برای رسیدن به هدف انسانی و اسلامی مورد استفاده قرار داد. مع‌هذا در کنار همه این منابع قدرت و با وجود همه محدودیت‌های دینی و اخلاقی از آنجا که هدایت و رهبری این نوع از مبارزات و منازعات را در جمهوری اسلامی، انسان‌های مؤمن و باکیاست بر عهده دارند، به خوبی می‌دانند که چگونه صحنه نبرد را با تدبیر و هوشمندی اداره کنند و چگونه جبهه دشمن را دچار تفرقه و اختلاف کنند و چگونه اولویت‌های مبارزه را انتخاب نمایند و در چه زمانی از نیروها و امکانات خود بهره ببرند. در مکتب اسلام بر خلاف مکتب ماکیاولیستی غرب سیاست به معنای دروغ و حقه و تزویر نیست، بلکه سیاست بر پایه صداقت، صراحت و کیاست و تدبیر می‌باشد^۲ و بر همین شیوه و روال می‌توان دشمن را فریب داد و ترساند و جبهه دشمن را دچار سردرگمی و تزلزل

۱. هر روز ما در جنگ برکتی داشته‌ایم که در همه صحنه‌ها از آن بهره جسته‌ایم. ما انقلابمان را در جنگ به جهان صادر نموده‌ایم. ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت نموده‌ایم. ما در جنگ ابهت دو ابرقدرت شرق و غرب را شکستیم. ما در جنگ به مردم جهان و خصوصاً مردم منطقه نشان دادیم که علیه قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها سالیان می‌توان مبارزه کرد. جنگ ما فتح فلسطین را به دنبال خواهد داشت. جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام شدنی نیست. جنگ ما جنگ فقر و غنا بود. جنگ ما جنگ ایمان و ردالت بود و این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد. ما در جنگ برای یک لحظه هم نادم و پشیمان نیستیم. (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۳، ۲۸۴)

۲. سیاست، راه بردن جامعه به طریق عدل، عقل، دین و انصاف است. (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۰۵).

نمود.^۱

۹. تبدیل امکانات بالقوه به امکانات بالفعل

خداوند متعال به این ملت همه امکانات و عناصر قدرت اعم از موقعیت ژئوپولیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک را ارزانی داشته است و همین امکانات بوده است که در دو جنگ بزرگ جهانی خانمان برانداز با وجود اعلان بی‌طرفی، این کشور توسط بیگانگان اشغال گردید و خسارات عظیمی بر این ملت وارد آمد و در عین حال به عنوان پل پیروزی برای متفقین معرفی شد. یک دولتمردمی و مدبر، در صحنه مبارزه و برخورد می‌تواند همه این امکانات بالقوه را به بالفعل درآورد و در خدمت جامعه قرار دهد و به عنوان منابع قدرت در تقابل با دشمنان خود به کار گیرد و آن‌چنان کشورهای منطقه و خارج از منطقه را به خود وابسته و نیازمند نماید که آنها حتی در حمایت از جمهوری اسلامی و در مقابله با دشمنان این کشور اقدام نمایند. امروزه اگر دولت نومحافظه‌کار آمریکا در اجرای عملی تهدیدات خود مبنی بر تجاوز نظامی به ایران اسلامی ناکام مانده است علاوه بر ترس از مقابله سنگین رزمندگان اسلام، از تسری آن به سایر کشورهای منطقه - که موجب تزلزل در ساختارهای سیاسی آنها می‌گردد - واهمه پیدا کرده است و این خود موجب بازدارندگی از دست یازیدن به چنین اقدام جنون‌آمیزی شده است که باعث وارد آمدن خسارت جانی و مالی عظیمی به تمام منطقه خواهد شد.

در پایان این مبحث و طرح منابع قدرت نرم‌افزارانه جمهوری اسلامی ایران به یقین فصل جدیدی نه تنها در منازعات بین‌المللی گشوده است بلکه در محاسبات قدرت نیز محققین و

۱. پیروزی شما (حزب‌الله) پیروزی اسلام بود. شما توانستید به حول و قوه الهی ثابت کنید که برتری نظامی، به ابزار و سلاح و هواپیما و ناو و تانک نیست، به قدرت ایمان و جهاد و فداکاری همراه با عقل و تدبیر (پیام مقام معظم رهبری به مناسبت پیروزی مقاومت لبنان، ۱۳۸۵/۵/۲۵).

نظریه پردازان موضوع قدرت را با مشکل و چالش‌های جدیدی مواجه کرده است. اینکه چگونه می‌توان آن را قدرت نرم ارزیابی کرد و چگونه آن را با قدرت سخت مقایسه نمود مبحث بسیار مهمی است دنیای غرب را به خود مشغول کرده و به همین جهت است که جمهوری اسلامی توانست با تکیه بر منابع قدرت نرم‌افزارانه خود، بارها غرب را در تهدیدات و اعمال فشارهای خود با ناکامی مواجه و تحقیر کند و به عنوان قدرت نوظهور جهانی در صحنه روابط بین‌المللی مطرح گردد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی